

The Impact of Decreasing Tax Revenues on the Economic Developments of the Second Pahlavi Era (1357-1353)

Shaghayegh Fathalizade^{*}, Fereshteh Sadat Etefaqfar^{}**

Mohammad Kalhor^{*}**

Abstract

Taxation is the most important source of revenue for governments and one of the most important elements in the relationship between government and people. If an independent government based on underground resources, etc., can cover public expenditures, that is, if the tax received is low or does not receive taxes, the nature of the government and its relationship with society will change and it will become a rentier country. Iran has been one of the rentier countries since 1974 due to its underground resource revenues. Economically, it is a rentier country that earns more than 40% of its income from non-tax sources. Iran has been one of the rentier countries since 1974 due to its underground resource revenues. The study of the causes of tax developments during the years 1357-1353 and its economic consequences is the most important issue of this article. The main findings of the article indicate that oil revenues have reduced tax revenues, government independence from the people, consumerism and the expansion of the state economy. The article is based on a descriptive-analytical method, so with the help of

* Phd student of Department of History, Islamic Azad University, Yadegar-e- Imam khomini (RAH) Shahre Rey Branch, Tehran, Iran, Fathalizade.ir@gmail.com

** Assistant Professor of Department of History, Islamic Azad University, Yadegar-e- Imam khomini (RAH) Shahre Rey Branch, Tehran, Iran, (Corresponding Author) fereshtehetefagh@yahoo.com

*** Assistant Professor of Department of History, Islamic Islamic Azad University, Yadegar-e- Imam khomini (RAH) Shahre Rey Branch, Tehran, Iran, kalhor.mohammadVY@gmail.com

Date received: 27/05/2021, Date of acceptance: 06/10/2021



Copyright © 2018, This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.

۱۷۰ پژوهش‌نامه تاریخ اجتماعی و اقتصادی، سال ۱۰، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۴۰۰

graphs and statistics, we express the distribution of rental income in government revenues and examine its impact on tax developments.

Keywords: Tax, Rentier Government, Educated Government, Mohammad Reza Shah Pahlavi, Iran.

تاثیر کاهش درآمدهای مالیاتی بر تحولات اقتصادی دوران پهلوی دوم (۱۳۵۷-۱۳۵۳)

شقایق فتحعلی‌زاده*

فرشته سادات اتفاق**، محمد کلهر***

چکیده

کسب مالیات مهم‌ترین منبع تولید درآمد حکومت‌ها و یکی از با اهمیت‌ترین عناصر در پیوند دولت و مردم است. چنانچه دولتی مستقل از جامعه بر پایه منابع زیرزمینی و ... بتواند هزینه‌های عمومی را تامین کند، یعنی اگر مالیات دریافتی ناچیز باشد و یا مالیاتی دریافت نکند، ماهیت دولت و رابطه آن با جامعه تغییر می‌کند و تبدیل به کشوری رانتیر می‌شود. ایران از سال ۱۳۵۳ به واسطه درآمدهای منابع زیرزمینی خود جزو کشورهای رانتیر محسوب می‌شود. به لحاظ اقتصادی کشوری رانتیر است که بیش از ۴۰ درصد درآمد خویش را از منابع غیرمالیاتی کسب کند. ایران از سال ۱۳۵۳ به واسطه درآمدهای منابع زیرزمینی خود جزو کشورهای رانتیر محسوب می‌شود. بررسی علل تحولات مالیاتی در طی سال‌های ۱۳۵۳-۱۳۵۷ و پیامدهای اقتصادی آن مهم‌ترین مسئله این مقاله است. یافته‌های اساسی مقاله حاکی از آن است که درآمدهای نفتی سبب کاهش درآمدهای

* دانشجوی دکتری تاریخ، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد یادگار امام خمینی (ره) شهرری، تهران، ایران،
Fathalizade.ir@gmail.com

** استادیار گروه تاریخ، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد یادگار امام خمینی (ره) شهرری، تهران، ایران
(نویسنده مسئول)، fereshtehetefagh@yahoo.com

*** استادیار گروه تاریخ، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد یادگار امام خمینی (ره) شهرری، تهران، ایران،
@gmail.com۷۲kalhor.mohammad

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۳/۰۶، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۷/۲۸



Copyright © 2018, This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose.

مالیاتی، استقلال حکومت از مردم، مصرف‌گرایی و گسترش اقتصاد دولتی شده است. مقاله براساس روش توصیفی-تحلیلی است، بدین روی با کمک نمودارها و آمارها به بیان توزیع درآمدهای رانسی در درآمدهای دولتی می‌پردازیم و تاثیر آن را در تحولات مالیاتی بررسی می‌کنیم.

کلیدواژه‌ها: مالیات، دولت رانسی، دولت تحصیلدار، محمد رضا شاه پهلوی، ایران

۱. مقدمه

تامین درآمدهای حکومت همواره یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های حاکمان در طول تاریخ بوده است از این رو ساختار و ترکیب درآمدهای دولت از مباحث بسیار مهم بخش عمومی اقتصاد است. درآمدهای مالیاتی و درآمدهای حاصل از منابع طبیعی دو نوع مهم این نوع درآمد محسوب می‌شوند. در مقایسه‌ای موجز باید گفت که نوع اول درآمدها یعنی درآمدهای مالیاتی در مقایسه با سایر منابع درآمدی به میزان قابل توجهی از آثار نامطلوب اقتصادی می‌کاهد و این منابع به دلایل بسیاری از جمله قابلیت کنترل بر سایر منابع درآمدی ناشی از اقتصاد داخلی برتری دارد. برخی کشورها مانند ایران مقادیر قابل توجهی منابع طبیعی داشته و درآمد ناشی از این منابع سهم نسبتاً بالایی از درآمدهای دولت را به خود اختصاص داده است. ایراد عمده درآمدهای ناشی از این منابع طبیعی را می‌توان در سه مورد خلاصه کرد: ۱- بی‌ثباتی قیمت این منابع و درآمدهای ناشی از آن ۲- تجدید ناپذیری و تمام شدنی بودن این منابع ۳- تبعات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی ناشی از اتکای بیش از حد به این نوع درآمدها براساس دیدگاه سنتی در زمینه منابع طبیعی و درآمدهای ناشی از آن، وجود مقدار قابل توجهی از موجودی منابع طبیعی به کشورها برای رسیدن به رشد اقتصادی کمک می‌کند (Rostow 1960: 102-106; Lewis 1955). در این دیدگاه منابع طبیعی به‌عنوان بخشی از سرمایه یک کشور تلقی شده و در تابع تولید کل وارد می‌شود. این دیدگاه به‌وسیله نظریه گسترده‌ای با عنوان Resources curse یا تناقض فراوانی^۱ نقد شده است. این نظریه در ابتدا بیشتر بر تاثیرات نوسانات قیمت منابع طبیعی و بیماری هلندی^۲ تمرکز داشته اما نظریات جدیدتر مربوط به نفرین منابع بر آثار توسعه ناشی از رفتار رانت‌گرایی (تحصیل‌گرایی) دولت‌ها تاکید دارند. یکی از مباحث عمده فرضیه نفرین منابع این است که درآمد حاصل از منابع، درآمدهای مالیاتی را به عنوان بنیاد مالی

تاثیر کاهش درآمدهای مالیاتی بر تحولات ... (شقایق فتحعلی زاده و دیگران) ۱۷۳

دولت تضعیف می‌کند (Ross 2002: 38; Beblawi and Luciani 1987: 98). به عبارت دیگر، درآمد ناشی از منابع طبیعی بر انگیزه کشورها در تجهیز دیگر منابع داخلی درآمد تاثیر منفی دارد.

پیرامون مباحث اقتصادی و نظام مالیاتی حکومت محمد رضا شاه پهلوی اظهار نظرها، کتابها، و مقالات گوناگونی به رشته نگارش در آمده است که هر یک از آنها جهت خاصی را در نظر گرفته و در آن مسیر به پژوهش پرداخته‌اند. نخستین بار تئوری دولت رانتیر توسط حسین مهدوی اقتصاددان ایرانی در سال ۱۹۷۰ مطرح شد. اگر چه این اصطلاح پیش از دهه ۱۹۷۰ توسط نویسندگانی مانند آدام اسمیت، دیوید ریکاردو و لنین مطرح شده بود اما پیشنهاد تئوری دولت رانتیر و عملکرد آن در اقتصاد سیاسی ابتدا توسط مهدوی مطرح شد و سپس توسط دیگر اقتصاد دانان مانند حازم بلاوی و لوسیانی مورد استفاده قرار گرفت (Zareie and Alavi 2016: 92). بنابراین ایده مهدوی به شکل یک نظریه مرجع، در زمینه اقتصاد سیاسی یکی از مهم‌ترین و بنیانی‌ترین نظرات در خصوص حکومت‌های رانتیر در خاورمیانه است که توسط مورخین و اقتصاددانانی هم‌چون محمدعلی کاتوزیان، جان فوران، مسعود نیلی و ابراهیم رزاقی استفاده گردید. از نظر نگارنده پیرامون این مبحث هنوز جای کار و بررسی فراوان است و تاثیرات تغییرات و کاهش نرخ و سود مالیاتی در نظر گرفته نشده است.

با بیان مقدمه فوق، محقق در نظر دارد که با استمداد از اسناد و اطلاعات تاریخی، پژوهش اقتصاددانان و مدل‌های مورد بررسی آنها؛ در یک پژوهش میان‌رشته‌ای به بررسی علل تحولات مالیاتی را در دوره مزبور پردازد و سپس پیامدهای این تحولات را بر بخش اقتصاد داخلی شرح دهد. فرضیه اصلی مقاله این است که درآمدهای نفتی یکی از تعیین‌کننده‌های سطوح درآمدهای مالیاتی در دولت‌های تحصیلدار می‌باشد، بدان معنی که درآمدهای ناشی از منابع طبیعی علاوه بر تاثیر بر ساختار نظام مالی و ناکارآمد کردن آن، بر سطح تحقق یافته درآمدهای مالیاتی نیز موثر است. به جهت رسیدن به اهداف مقاله ابتدا داده‌ها به صورت اسنادی و کتابخانه‌ای گردآوری شده و روش پژوهش توصیفی-تحلیلی بررسی شده است. اسناد تاریخی به روش تحلیل محتوا تحلیل شده‌اند و سپس داده‌ها برپایه روش اتورگرسیون^۳ دسته‌بندی می‌شوند.

۲. چهارچوب نظری: دولت رانتیر و نارسایی اقتصادی

تئوری دولت رانتیر نخستین بار توسط حسین مهدوی اقتصاددان ایرانی در سال ۱۹۷۰ مطرح شد. اگر چه این اصطلاح پیش از دهه ۱۹۷۰ توسط نویسندگانی مانند آدام اسمیت، دیوید ریکاردو و لنین مطرح شده بود اما پیشنهاد تئوری دولت رانتیر و عملکرد آن در اقتصاد سیاسی ابتدا توسط مهدوی مطرح شد و سپس توسط دیگر اقتصاد دانان مانند حازم بلاوی و لوسیانی مورد استفاده قرار گرفت. بنابراین ایده مهدوی به شکل یک نظریه مرجع، در زمینه اقتصاد سیاسی یکی از مهم‌ترین و بنیانی‌ترین نظرات در خصوص حکومت‌های رانتیر در خاورمیانه است. مفهوم واژه رانت را می‌توان در دو حوزه علم اقتصاد و اقتصاد سیاسی بررسی نمود.

در علم اقتصاد، رانت عبارت است از مقدار درآمد اضافه‌ای که به یک عامل تولید داده می‌شود و اگر این درآمد اضافی از وی دریغ شود باز هم با درآمدی که به دست می‌آورد انگیزه برای اشتغال دارد. قسمتی از سود را رانت تشکیل می‌دهد که اگر توسط مالیات اخذ شود کارفرما همچنان به کار خود ادامه می‌دهد (The Oxford English Dictionary: 619). رانت به عنوان یک درآمد غیر تولیدی همواره به وسیله اقتصاددانان موردنکوهش قرار گرفته است. در واقع رانت جزء هزینه تولید نیست و مصلحان اجتماعی در غرب معتقد هستند که باید آن را با مالیات اخذ کرد و صرف کارهای عام‌المنفعه نمود (توانایان فرد ۱۳۸۵: ۸۷۲). گروهی از اقتصاددانان، رانت را به عنوان پرداخت به یک عامل که عرضه آن نسبت به اندازه پرداخت لازم برای استفاده از آن بدون کشش باشد، تعریف می‌کنند (طیبیان ۱۳۷۱: ۳).

در اقتصاد سیاسی رانت عبارت است از درآمدهایی که برای یک دولت از منابع خارجی (از طریق فروش مواد خام و منابع زیرزمینی یا کمک‌های سایر دولت‌ها و یا برخی موارد دیگر) به دست می‌آید. این درآمدها ارتباطی به فعالیت‌های تولیدی اقتصاد داخلی ندارند و از یک فعالیت مولد اقتصاد داخلی به دست نمی‌آیند. بنابراین می‌توان آنها را درآمدی دانست که غالباً از استخراج منابع به دست می‌آیند (Mahdavy 1970: 428).

این نوع از کسب درآمد (درآمد رانتی) تاثیرات گوناگونی را در جامعه می‌گذارد که در این مقاله مد نظر تاثیر رانت بر روی دولت و به‌ویژه اقتصاد می‌باشد.

به لحاظ نظری دولت رانتیری از جامعه خود مستقل می‌شود که این استقلال را می‌توان از دو بعد داخلی و خارجی مورد بررسی قرار داد؛ زمانی یک دولت از جامعه مستقل می‌شود که در سایه دریافت رانت‌ها از خارج، دیگر به منابع داخلی درآمد مالیات‌ها، عوارض و صدور کالاهای صنعتی احساس نیاز نمی‌کند. یکی از پیامدهای استقلال دولت از جامعه این است که این استقلال به نوبه خود باعث می‌شود دولت قدرت انحصاری کسب کند و نیازی به دخالت دادن گروه‌ها و طبقات مختلف در قدرت نبیند. وابستگی زیاد یک دولت به رانت باعث کاسته شدن فشار مالی دولت بر جامعه می‌شود زیرا دولت هیچ‌گونه مالیاتی از جامعه دریافت نمی‌کند، و یا اگر مالیات اخذ می‌کند مقدار آن ناچیز است. در چنین شرایطی چنین فرض می‌شود که دولت به علت عدم دریافت مالیات از جامعه، نیاز به اعطای دموکراسی به جامعه نخواهد داشت (Hajiyousefi: 132) در جوامع رانتیر دولت مهم‌ترین نقش را در توزیع ثروت در میان مردم ایفا می‌کند. به جهت آن‌که ثروت دست دولت است بنابراین این گونه دولت‌ها به دولت‌های تخصیصی تبدیل می‌شوند که در مقابل دولت‌های تولیدی قرار دارند. در چنین حالتی کل نظام سیاسی و اجتماعی به میزان و چگونگی تخصیص هزینه‌های دولت وابستگی پیدا می‌کند (Mahdavy 1970: 450).

به جهت اقتصادی اغلب نظریه پردازان اعتقاد دارند که در شرایط رانتیری، استعدادهای جامعه به جای نوآوری و خلاقیت و فعالیت مولد به سوی کسب درآمدهای آسان جذب شده و این امر سبب تخصیص استعدادهای کشور از فعالیت‌های مفید به فعالیت‌های مربوط به جست‌وجو و کسب رانت می‌شود. در این شرایط، به علت صرف استعدادهای کشور در کارهای غیر مولد و غیر تولیدی از رشد واقعی محروم خواهد شد. ویژگی عمده روحیه رانتیری این است که در این حال، دیگر کار و کوشش علت ثروتمند شدن نیست بلکه شانس و تصادف است که ثروت می‌آفریند (Najmabadi 1987: 12) و ویژگی بارز اقتصاد در این نوع جوامع، مصرف زیاد کالاها در قبال تولید کم در جامعه است. یکی از مهم‌ترین اهرم‌های حفظ مشروعیت دولت تأمین نیازهای مادی جامعه می‌باشد، دولتی که به مقدار وسیع از رانت برخوردار می‌شود بر واردات کالاهای مصرفی تأکید فراوانی می‌کند. رانت‌خوران برای عدم پرداخت مالیات می‌کوشند خود را هرچه بیشتر به دولت‌های خارجی نزدیک کنند و منافع آنها را بر منافع ملی کشور ترجیح دهند. کاهش امنیت اقتصادی، عدم سرمایه‌گذاری، کاهش استقلال، بازماندن نیروهای فعال جامعه از تولید،

کاهش انگیزه تولید، رشد بیکاری، افزایش تورم، زوال وجدان کاری، دو قطبی شدن جامعه، توزیع ناعادلانه ثروت، توسعه فقر و فساد گسترده و در نهایت فروپاشی نظام سیاسی از پیامدهای دولت رانتی به‌شمار می‌رود. در چنین شرایطی چون از طرف دولت، تأکیدی برای گسترش صنایع و توسعه صنعتی وجود ندارد، جامعه به صورت مصرف‌کننده کالاها و خدمات در می‌آید. همچنین زمانی که دولت از جامعه استقلال پیدا می‌کند و درآمد حاصل از رانت وارد خزانه شود، دولت این رانت‌ها را در اقتصاد داخلی هزینه می‌کند و در حقیقت به عنوان سرمایه‌گذار اصلی در اقتصاد داخلی مطرح می‌شود. از طرف دیگر، دولت علاوه بر سرمایه‌گذاری‌های کلان در اقتصاد داخلی، با ارائه خدمات رایگان یا ارزان قیمت و سوسید باعث افزایش هزینه‌های دولتی می‌گردد. بنابراین اقتصاد داخلی توسط هزینه‌های دولتی حمایت می‌شود و تمامی بخش‌های اقتصادی به دولت وابستگی پیدا می‌کنند.

۳. دولت رانتیر پهلوی دوم

درآمد حکومت‌ها در ایران از املاک وسیع دولتی و نیز بستن مالیات‌های مختلف بر محصولات ارضی غیردولتی تامین می‌گردید. منابع مختلف درآمد و دارایی، دولت می‌توانست هزینه‌های نسبتاً معتدله اداری، نظامی و اجتماعی خود را تامین کند، و درعین حال با تخصیص زمین و امتیازات و یا پس گرفتن آنها به‌دلخواه خویش، طبقات دیوانی و ثروتمند را پاداش دهد یا مجازات کند (کاتوزیان ۱۳۹۰: ۲۸۷). از سال ۱۳۰۰ و به‌ویژه از سال ۱۳۱۱، عواید نفت منبع درآمد به‌نسبت مطمئنی برای تامین نیازهای مالی دولت بود. ارزش و سهم کل نفت در صادرات و تولیدات ایران نیز از همین دوران روبه افزایش نهاد اما تا سال ۱۳۵۳ چنانچه در جدول و نمودار زیر مشهود است، دولت برای تامین نیازهای خود همچنان به درآمدهای مالیاتی نیازمند بوده‌است.

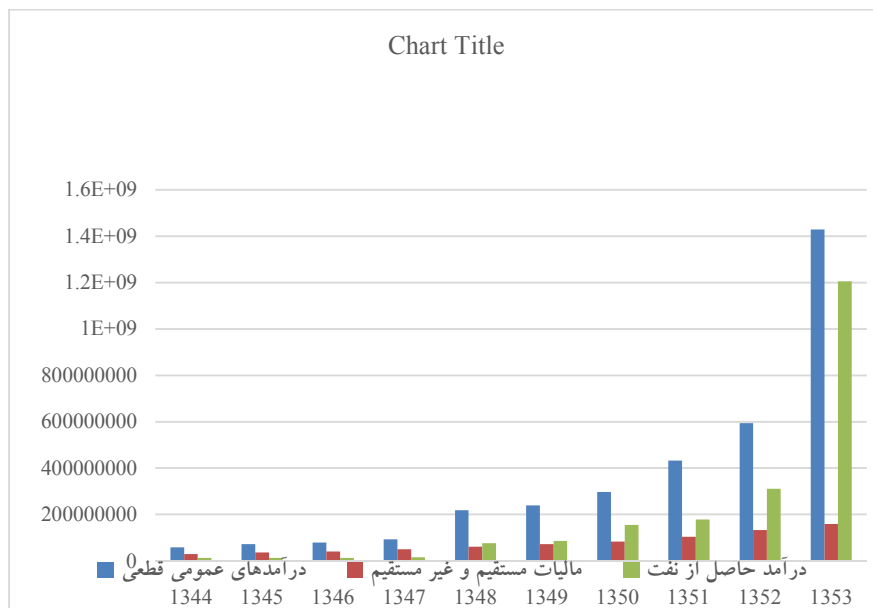
وضعیت درآمدهای دولت پهلوی در بازه زمانی (۱۳۵۳-۱۳۴۴)

درآمدهای عمومی قطعی	مالیات‌های مستقیم و غیرمستقیم	درآمد حاصل از نفت	
۵۸۱۰۰۴۴۱	۲۹۲۹۸۳۰۷	۱۲۳۶۴۹۵۴	۱۳۴۴
۷۲۳۸۱۷۴۹	۳۵۹۹۹۳۵۱	۱۲۹۹۲۵۳۷	۱۳۴۵
۷۸۴۰۰۷۹۷	۴۰۲۷۸۸۷۷	۱۳۰۳۴۷۸۸	۱۳۴۶

تاثیر کاهش درآمدهای مالیاتی بر تحولات ... (شقایق فتحعلی زاده و دیگران) ۱۷۷

۱۵۰۲۲۰۶۲	۵۰۲۴۵۱۶۲	۹۳۵۴۷۲۸۸	۱۳۴۷
۷۶۳۷۷۶۳۹	۶۱۷۶۷۱۰۰	۲۱۸۲۸۶۲۷۹	۱۳۴۸
۸۵۵۶۱۳۶۲	۷۱۸۲۶۰۵۴	۲۳۸۹۲۵۰۳۲	۱۳۴۹
۱۵۵۳۲۲۸۶۲	۸۲۹۶۹۴۳۳	۲۹۶۴۲۱۱۶۵	۱۳۵۰
۱۷۸۱۹۶۱۹۸	۱۰۳۷۹۱۱۷۰	۴۳۲۸۷۸۳۹۳	۱۳۵۱
۳۱۱۲۵۰۵۸۰	۱۳۲۵۸۹۸۵۰	۵۹۴۳۸۰۸۴۱	۱۳۵۲
۱۲۰۵۲۴۵۳۹۴	۱۵۸۸۶۱۲۶۶	۱۴۲۸۵۲۶۲۹۶	۱۳۵۳

مجموعه قوانین بودجه، برنامه و عناوین سایر قوانین و مصوبات مربوط از سال ۱۳۴۴ تا سال ۱۳۵۷، تهیه و تدوین: منوچهر ضیائی، ناشر وزارت برنامه و بودجه، مرکز مدارک اقتصادی-اجتماعی و انتشارات، چاپ اول، ۱۳۶۷، صفحات متعدد



انفجار عواید نفت در اواخر سال ۱۳۵۲ به وقوع پیوست. عواید نفت که در سال ۱۳۴۲ برابر ۴۰۰۰۰۰ میلیون ریال یا کمی بیش از ۱۲ درصد تولید ناخالص ملی بود، با نرخ بالایی افزایش یافت و ناگهان در سال ۱۳۵۲ انفجار قیمت آن را به ۱۳۳۳۳۰۰ میلیون ریال رساند (کاتوزیان ۱۳۹۰: ۳۲۰) و سهم عواید نفت به واسطه چهار برابر شدن قیمت نفت به ۵۰ درصد تولید ناخالص ملی رسید. بنابراین به کمک جدول بالا می توان شرایط اقتصادی ایران را تجزیه و تحلیل کرد و روند تغییرات میزان درآمد حکومت پهلوی را نگرینست.

آن‌چه به‌عنوان بیماری هلندی یا نفرین منابع یاد شد در نمودارها مشخص است و خود می‌تواند گویای تغییرات اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی در آن دوران باشد.

تبدیل دولت ایران به دولتی رانتیر تبعات اقتصادی بسیاری بر جای گذاشت و حکومت از سه راه عمده بر اقتصاد کشور سلطه یافت. نخست اینکه مبلغ بزرگی از درآمدهای خود را مستقیماً به صورت سرمایه‌گذاری بخش دولتی وارد اقتصاد کرد. دوم اینکه حکومت سرمایه‌های کلانی را در اختیار بانک‌های تخصصی توسعه، قرار داده بود و در نتیجه می‌توانست این بانک‌ها را کنترل کند. سوم اینکه حکومت سطوح مصرف دولتی بسیار بالایی به‌وجود آورده بود و در نتیجه توان خود را در کاربرد سیاست مالی برای کنترل اقتصاد افزایش می‌داد. همچنین فعالیت‌های گسترده بازرگانی خاندان سلطنتی و ساخت کارهای تنظیم‌کننده گوناگون رسمی و غیر رسمی، ابزارهای بیشتری را برای کنترل بر اقتصاد به دست حکومت می‌داد.

آمار منتشر شده درباره منابع سرمایه‌گذاری از سال ۱۳۳۸ تا سال ۱۳۵۷ نشان‌گر گستردگی این دو ساختار از سه ساختار موجود می‌باشد، سرمایه‌گذاری حکومت به ۳۶.۳ درصد کل تشکیل سرمایه ثابت ناخالص در داخل کشور در چهار سال پایانی برنامه دوم عمرانی (۴۱-۱۳۳۸) به ۴۴.۱ درصد در برنامه سوم (۶-۱۳۴۲)، ۵۵/۸ درصد در برنامه چهارم (۵۱-۱۳۴۷) و ۵۸.۵ درصد در برنامه پنجم (۵۶-۱۳۵۲) ترقی کرد.

هم‌چنین سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در برنامه پنجم به ۰.۵ درصد کاهش یافته است. سرمایه‌گذاران خصوصی داخلی در برنامه سوم ۴۹.۱ درصد سرمایه‌گذاری را در دست داشته‌اند. بانک‌های تخصصی توسعه در این دوره منابع اصلی تامین سرمایه برای بخش خصوصی بودند که در مالکیت دولت بود. طی برنامه سوم ۵۵ درصد سرمایه‌گذاری بخش خصوصی داخلی بانک‌ها تخصصی توسعه تامین شده بود، بیش از ۴۶ درصد از آن از سوی حکومت با منابع خارجی فراهم آمده بود و ۵۴ درصد وجه سرمایه‌گذاری از پس‌اندازهای سرمایه‌گذاران و یا از وام‌های گرفته شده از بانک‌های بازرگانی، بازاری و بانک‌های خارجی به‌دست آمده است. سرمایه‌گذاری خصوصی شاه و دیگر اعضای خاندان سلطنت نمایانگر ابزاری دیگر برای سلطه بر اقتصاد کشور است، بیشتر دارایی شاه توسط بنیاد پهلوی اداره می‌شد. سومین طریق تسلط دولت بر اقتصاد و ایران، سطوح مصرف بالایی آن بود. جدول زیر نشان می‌دهد مصرف دولتی در این دوره بسیار سریعتر از مصرف

تاثیر کاهش درآمدهای مالیاتی بر تحولات ... (شقایق فتحعلی زاده و دیگران) ۱۷۹

خصوصی رشد کرد و از ۱۲.۳ درصد کل مصرف در آخرین چند ساله برنامه عمرانی دوم (۶۲-۱۹۵۹) به ۱۶.۶ درصد برنامه سوم، ۲۳ درصد برنامه چهارم و ۲۸.۹ درصد برنامه پنجم ترقی کرد. این جدول همچنین نشان می دهد دولت برای تامین هزینه های خود و به خصوص پس از افزایش سریع قیمت های جهانی نفت در اوایل ۱۹۷۰ به طور فزاینده به درآمد نفت به جای مالیات متکی شد. این امر وابستگی دولت را به طبقات بالا و متوسط برای درآمد مالیاتی کاست و استقلال آن را از این طبقات افزایش داد.

درآمدهای دولت و هزینه ها (میلیارد ریال)						
هزینه های اضافی						
درآمدهای مالیاتی	درآمدهای نفتی دولت (%)	درآمدهای دولت	هزینه های دفاعی	خصوصی	عمومی	سال
(۶)	(۵)	(۴)	(۳)	(۲)	(۱)	
۲۸/۲	۶۷/۰	۶۷/۰	۱۶۳/۶	۵۸۴/۲	۱۵۷۹/۴	۱۳۵۲
۱۱/۳	۸۶/۴	۸۶/۴	۱۴۹/۱	۶۹۴/۳	۱۲۴۶/۲	۱۳۵۳
۱۷/۱	۷۸/۸	۷۸/۸	۳۷۲/۶	۸۰۷/۴	۱۳۱۶/۰	۱۳۵۴
۱۸/۷	۷۷/۴	۷۷/۴	۳۹۳/۷	۸۳۰/۱	۱۲۶۷/۶	۱۳۵۵
۲۱/۸	۷۳/۶	۷۳/۶	۳۸۶/۶	۷۳۲/۵	۱۴۷۳/۹	۱۳۵۶

توضیح: همه ارقام ریالی با استفاده از شاخص مصحح تولید ناخالص ملی در سالنامه آمار مالی بین المللی صندوق بین المللی پول (واشننگتن ۱۹۸۳) تورم زدایی شده اند؛ مارک. جی. گازیورسکی، همان، ص ۲۴۳.

در مجموع دولت با استفاده از درآمد نفت به بزرگترین سرمایه گذار، تولید کننده و مصرف کننده، تبدیل شده بود و این خود نشان می دهد که بخش وسیعی از کارگران، کشاورزان، صنعت کاران، کارمندان و تاجران به نوعی وابسته و مرتبط به بخش های اقتصادی دولت بودند و دولت نیز با استفاده از این موقعیت برتر توانست ضمن برقراری روابط نزدیک با طبقات گوناگون، استقلال خود را از آنان حفظ کند، به خصوص که این امر با افزایش بهای نفت در اوایل دهه ۱۳۵۰ به یکباره شدت بیشتری گرفت، و به آخرین حد خود رسید. از آن زمان به بعد بود که شاه فردی لجام گسیخته تر از گذشته گردید به طوری که در ایران در زمان مذکور تقریباً می توان گفت که دیگر هر گونه اعمالی و حتی کم اهمیت ترین آن می بایست با کسب اجازه از شاه صورت می گرفت (راجی ۱۳۶۴: ۱۱۵) جدول زیر نقش دولت در اقتصاد ایران را از سال ۱۳۵۳ تا ۱۳۵۶ نشان می دهد.

نقش دولت در اقتصاد ایران (میلیارد ریال)												
بانک‌های تجاری			بانک‌های تخصصی توسعه				تشکیل سرمایه ثابت				سال	
بدهی‌های قابل تشخیص			بدهی‌های قابل تشخیص									
کل	سهام دولت	سهام خارجی	وام‌های بخش خصوصی	کل	سهام دولت	سهام خارجی	وام‌های بخش خصوصی	کل بخش خصوصی	دولت	کل تشکیل سرمایه ثابت ناخالص ملی		
860/6	12/3	4/6	663/0	208/5	135/7	37/4	149/7	7/2	288/0	364/3	652/2	۱۳۵۲
767/8	9/2	6/3	530/8	194/4	134/6	28/6	148/6	5/0	220/4	401/8	622/2	۱۳۵۳
1054/2	8/3	7/0	738/3	281/4	197/8	40/0	233/4	4/0	400/6	647/0	1047/6	۱۳۵۴
1204/4	9/6	6/7	861/0	329/7	205/5	69/6	297/9	5/4	548/4	674/0	1222/4	۱۳۵۵
1263/5	6/6	7/0	833/9	373/5	222/0	92/0	339/1	4/3	529/9	719/7	1249/6	۱۳۵۶

توضیح: همه ارقام ریالی با استفاده از شاخص مصحح تولید ناخالص ملی در سالنامه آمار مالی بین‌المللی صندوق بین‌المللی پول (واشنگتن ۱۹۸۳) تورم‌زدایی شده‌اند؛ مارک. جی. گازیورسکی، همان، ص ۲۴۳.

۴. پیامدهای کاهش درآمدهای مالیاتی بر تحولات اقتصادی

براساس جدول‌ها و آمارها می‌توان گفت که تمامی ضرایب به‌دست آمده برای متغیر درآمدهای رانتی در رگرسیون درآمدهای مالیاتی مثبت و معنی‌دار هستند می‌توان استنباط کرد که هر واحد درآمدهای رانتی، سبب ایجاد حدود ۲ درصد واحد درآمدهای مالیاتی برای دولت‌های تحصیلدار می‌شود. این یافته نشان می‌دهد که نقش درآمدهای نفتی (وابسته به نفت) در تامین بودجه دولت‌های تحصیلدار بیش از نقش مستقیم آنهاست. نقش واقعی درآمدهای رانتی در تامین بودجه دولت‌های تحصیلدار ۱/۲ برابر نقش اسمی است که توسط این دولت‌ها گزارش می‌شود. به عبارت دیگر هر واحد درآمدهای رانتی علاوه بر این که خود در ابتدا تحت مالکیت دولت به‌عنوان درآمد قرار می‌گیرد، با وارد شدن در اقتصاد دولت‌های تحصیلدار سبب ایجاد ۲ درصد واحد درآمدهای مالیاتی برای این دولت‌ها نیز می‌شود همچنین می‌توان به بی‌معنی بودن متغیرهای محیطی اقتصاد مانند تورم، سهم بخش‌های تجارت خارجی و کشاورزی و همچنین استقراض خارجی دولت در همه رگرسیون‌های برآورد شده پی برد.

دولت رانتی از بعد اقتصادی از جامعه استقلال می‌یابد و بدین سان قراردادی نانوشته به‌وجود می‌آید که دولت، نمایندگی جامعه و از سوی ویژگی پاسخگویی را ندارد و درمقابل جامعه نیز مالیات نمی‌دهد. این حالت از بعد اقتصادی نتیجه وحشتناکی برای جامعه در پی می‌آورد و آن وابستگی دائمی دولت و جامعه به خارج از کشور است که براساس آن، ماده‌ای که رانت دولت بر آن استوار است، تنها منبع درآمد کشور محسوب می‌شود و بدین ترتیب بخش‌های دیگر اقتصاد عقب مانده به درآمد رانتی وابسته می‌شود و افزون بر آن، روحیه خود باوری و تولید نیز از بین می‌رود و استعدادها در این زمینه نهفته می‌ماند (همدمی خطبه‌سرا ۱۳۸۳: ۵۶).

از آن‌جا که درآمدها در ایران نه از راه وصول مالیات از سرمایه‌داران و مالکان و نه از راه استثمار کارگران به دست می‌آید. بلکه صورت بهره مالکانه‌ای را داشت که از فروش ثروت‌های ملی در اختیار دولت قرار می‌گرفت. به اعتباری به آن جنبه فوق طبقاتی می‌داد، بدین معنی که دولت را در تأمین محل پرداخت‌ها و هزینه‌های اصلی‌اش از همه طبقات اجتماعی، آزاد می‌کرد (سوداگر ۱۳۵۸: ۱۳۳). به علت در دسترس بودن درآمدهای نفتی، دولت رانتیر ایران انگیزه جدی برای تأسیس یک اساس مالیاتی قوی که از مجلس شورای

ملی یکم بر اهمیت آن تاکید شده بود و تلاش‌هایی در جهت ایجاد آن انجام گرفته بود (برای آگاهی بیشتر، بنگرید به فتحعلی‌زاده ۱۳۹۰)، نداشت. برای خود نداشته است. وابستگی به درآمدهای نفت که به آسانی در اختیار هستند باعث می‌شود تا شکل‌گیری تدریجی و آرام یک پایه و اساس مالیاتی که به حد وسیع بوده و با فعالیت‌های اقتصادی داخلی درهم تنیده باشد، میسر نشود. دولت در ایران با بالارفتن درآمدهای حاصل از فروش نفت، همواره اتکایش را به درآمدهای مالیاتی کاهش داده است. جدول‌های زیر خلاصه‌ایی از درآمدهای دولت ایران را نشان می‌دهد. در این جدول‌ها دو نکته اساسی برجسته است. اول اینکه سهم نسبی درآمدهای نفت و گاز در کل درآمدهای دولت افزایش یافته است، دوم اینکه با افزایش درآمدهای نفتی حکومت، به‌خصوص بعد از سال ۱۳۵۲ سهم نسبی مالیات‌های مستقیم و غیر مستقیم کاهش یافته (Hajiyousefi 1992: 101-100).

درآمدهای دولت ایران در سال‌های ۱۳۵۷-۱۳۵۰

درآمدها	۱۳۵۰	۱۳۵۱	۱۳۵۲	۱۳۵۳	۱۳۵۴	۱۳۵۵	۱۳۵۶	۱۳۵۷
نفت و گاز	۱۷۱	۱۷۸	۳۱۱	۱۲۰۵	۱۲۴۹	۱۳۲۹	۱۵۹۰	۱۰۱۳
مالیات‌ها	۸۳	۱۰۳	۱۳۲	۱۵۸	۲۷۳	۳۴۷	۴۴۹	۴۷۱
دیگر	۷۹	۱۵۰	۱۴۸	۱۶۹	۲۸۹	۲۸۲	۵۲۳	۸۵۹
کل	۳۳۳	۴۳۱	۶۹۱	۱۵۳۲	۱۸۰۸	۱۹۵۸	۲۵۵۲	۲۳۴۳

منابع عمده درآمدهای دولت (درصد از کل درآمدها)

Movaseghi, Seyyed Ahmad; Kahch, Alireza, State and Economic Development in Iran, Politics Quarterly, Vol45, Issue4, p.102.

سال	۱۳۳۳	۱۳۳۹	۱۳۴۴	۱۳۴۹	۱۳۵۳	۱۳۵۴	۱۳۵۵	۱۳۵۶
کل درآمد	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰
نفت	۱۱	۴۲	۵۴	۴۹	۸۶	۷۸	۷۶	۶۳
مالیات‌ها	۴۰	۳۳	۳۳	۴۱	۱۱	۱۷	۱۹	۲۹
مستقیم	۵	۸	۱۰	۱۵	۵	۹/۵	۱۰	۱۷
غیرمستقیم	۳۵	۲۵	۲۳	۲۶	۶	۷/۵	۹	۱۲
خدمات دولتی و سایر	۴۹	۲۵	۱۳	۱۰	۳	۵	۵	۸

تاثیر کاهش درآمدهای مالیاتی بر تحولات ... (شقایق فتحعلی‌زاده و دیگران) ۱۸۳

البته ممکن است گفته شود که میزان مالیات ستانی حکومت طی این سال‌ها به لحاظ کمی افزایش داشته است، اما باید گفت که تناسب دریافت‌های نفتی دولت و مالیات ستانی با هم همخوانی ندارند. به عبارتی به موازات افزایش درآمدهای نفتی درآمدهای مالیاتی دولت، افزایش نیافته است. همچنین در خصوص افزایش کمی دریافت مالیات دوعامل تورم و افزایش سطح درآمد سرانه مردم را باید در نظر گرفت. به عنوان مثال می‌توان به سال ۱۳۵۶ اشاره نمود که در این سال شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی ۱۷۸ درصد بالاتر از سطح مشابه سال قبل بود (ترازنامه بانک مرکزی ۱۳۵۶: ۳۰۱). جدول (منابع عمده درآمد دولت) نشان می‌دهد که سهم درآمدهای نفتی که در سال ۱۳۳۳، ۱۱ درصد از کل درآمدهای دولت را تشکیل می‌داده در سال ۱۳۵۳ به حدود ۸۶ درصد افزایش یافته است. در همان زمان سهم نسبی مالیات‌های داخلی در کل درآمدهای دولت از آنجا که دولت احتیاجی به افزایش مالیات نداشته، خیلی کمتر بوده است. به طوری که سهم مالیات‌ها از ۴۵ درصد از کل درآمدهای دولت در سال ۱۳۳۳ به تنها ۱۱ درصد در سال ۱۳۵۳ رسیده است، سپس در نتیجه بحران اقتصادی در ۱۳۵۵ دولت ایران رو به سوی سیاست بالا بردن مالیات آورد که همه این موارد در جداول نشان داده شده است، لذا سهم مالیات‌ها در سال ۱۳۵۷ به ۲۹ درصد افزایش پیدا کرد. از این گذشته مالیات‌های غیرمستقیم سهم عمده در کل درآمدهای مالیاتی را تشکیل می‌دهد. با بررسی این جداول می‌توانیم نتیجه بگیریم که اولاً درآمدهای مالیاتی سهم کمی را در درآمدهای حکومت به‌خود اختصاص داده، دوماً سهم مالیات‌های غیر مستقیم قابل توجه‌تر بوده است نسبت به مالیات‌های مستقیم و نهایتاً این که مالیات‌های مستقیم، عمدتاً از شرکت‌های دولتی حاصل می‌شده است و مالیات بر مستغلات، تجارت و ثروت یک سهم خیلی کمی را در درآمدهای دولت تشکیل می‌داده است (-Hajiyousefi 1992: 101). اینها نشان می‌دهد که دولت ایران وابسته به درآمدهای نفتی بوده است و این درآمدهای نفتی به‌عنوان بخش عمده منبع مالی دولت او را از گرفتن مالیات از جامعه مستقل می‌کرده است.

۱۹۷۶	۱۹۷۵	۱۹۷۴	۱۹۷۳	۱۹۷۲	۱۹۷۱	۱۹۷۰	۱۹۶۹	منابع مالیاتی
۱۴	۱۰/۱	۱۳/۳	۱۹/۱	۲۱	۲۲	۲۲	۲۲/۶	دستمزد
۳/۲	۲/۸	۷/۷	۷/۴	۷/۲	۷/۸۰	۸/۶	۷	مستغلات و ملک
۵۲/۹	۶۱/۴	۳۷/۵	۳۰/۳	۲۷/۲	۲۷	۲۶/۶	۳۱/۴	شرکت‌های دولتی

۱۵/۷	۱۳/۲	۲۱	۲۰/۷	۲۱/۵	۲۰/۲	۱۹/۱	۱۸/۲	شرکت‌های خصوصی
------	------	----	------	------	------	------	------	----------------

Hajiyousefi 1992:, p.104

در مجموع با توجه به قدرت بسیار بالایی که درآمد نفت برای شاه ایجاد کرد دامنه مانور او در سطح ملی و منطقه‌ایی و جهانی بسیار بالا رفت. از لحاظ ملکی اکثر تحلیل‌گران اقتصاد سیاسی ایران همچون آقایان مهدوی، کاتوزیان و رزاقی بر این عقیده‌اند که تحت چنین شرایطی نه تنها دولت در راس جامعه قرار داشت بلکه مافوق آن بود و جنبه فرا طبقاتی پیدا کرد. در حالی که اگر دولت برای انجام وظایف و تامین هزینه‌هایش متکی به مالیات‌های اخذ شده از مردم باشد در برابر آن هم جوابگو خواهد بود.

کم شدن اتکای دولت به درآمدهای مالیاتی، علاوه بر ناسالم شدن بودجه از نظر مالی، حلقه‌های ارتباط و اتصال میان دولت و جامعه را تضعیف می‌کند، چرا که استخراج مالیات از جامعه در واقع یکی از مهمترین ساز و کارهایی است که طی آن دولت به شکل دقیقی از شرایط و روندهای داخل جامعه و تقاضاهای گروه‌های مختلف آگاه می‌شود و براساس آن قادر خواهد بود روابط خود را با مردم با بهره‌گیری از اطلاعات روزآمد تنظیم کند. در همان زمان که ساختارهای دولت رانتیر در ایران پا گرفت، درآمدهای مالیاتی رو به کاهش گذاشت. درآمدهای مالیاتی دولت پهلوی که در سال ۱۳۳۸، ۳۷ درصد کل بودجه را تشکیل می‌داد در سال ۱۳۵۰ به ۲۶ درصد سقوط کرد. این رقم در سال‌های بعد به موازات افزایش شدید درآمدهای نفتی، باز هم کاهش یافت و از ۲۵ درصد در سال ۱۳۵۲ به ۲۳ درصد در سال ۱۳۵۷ کاهش پیدا کرد (میرترابی ۱۳۸۵: ۱۲۵). عرضه فراوان ارز خارجی که در نتیجه رشد سریع صادرات نفت ایجاد شده بود به تأمین واردات کالاهای سرمایه‌ای و مواد خام لازم برای انباشت سریع صنعتی کمک کرد. همان عاملی که در ایجاد فرایند سریع انباشت صنعتی دخیل بود، یعنی عرضه فراوان ارز و اعتبارات خارجی، منجر به غفلت از اشتغال‌زایی و جنبه‌های توزیع درآمد در فرایند صنعتی شدن نیز شد. از سوی دیگر سیاست‌های مالیاتی و هزینه‌ای دولت نیز کمک اندکی به بهبود تمزکز روز افزون درآمدهای حاصله از رشد بهره‌وری کرد. وجود درآمدهای نفتی و سهولت استقراض از خارج دولت را بی‌نیاز از اخذ مالیات بر مصرف گروه‌های درآمدی بالا ساخت که برای رهاسازی منابع برای تامین مالی تشکیل سرمایه لازم بود. نتیجه این فرایندها چیرگی رشد بازار مصرف نهایی توسط الگوی مصرف گروه کوچکی از مردم بود که نرخ‌های بالنسبه سریع رشد متوسط مصرف را نمایان می‌ساخت. این امر حاکی از میل به گسترش گسستگی در بازار مصرف و رشد ضعیف تقاضا برای اقلام

تاثیر کاهش درآمدهای مالیاتی بر تحولات ... (شقایق فتحعلی زاده و دیگران) ۱۸۵

پرمصرف بود (کارشناس ۱۳۸۲: ۲۸۳-۲۸۵). بین سال های ۱۳۴۳ تا ۱۳۵۷، از طریق اصلاحات ارضی و رشد درآمدهای نفتی در اقتصاد، ساختار اجتماعی کشور در هم ریخت، روستاها کم کم تخلیه شدند، مهاجرت به شهرها شدت گرفت، جامعه رو به مصرف گرایی پیش رفت، صنایع مونتاژ با سرعت گسترش پیدا کرد که عمدتاً تولید این کارخانجات کالاهای مصرفی بود. برای تأمین مواد اولیه، قطعات یدکی و نیروهای انسانی این مؤسسات به خارج وابستگی پیدا کردند. حجم واردات به سرعت بالا رفت و صادرات غیر نفتی کشور، رشد چندانی نیافت.

جدول زیر بازرگانی خارجی ایران را مابین سال های ۱۳۳۲ تا ۱۳۵۷ بیان می کند، این آمار به خوبی بیانگر تغییرات روند اقتصادی ایران است.

بازرگانی خارجی ایران ۱۳۳۲-۱۳۵۷ ش (به میلیون دلار)
فوران، جان، مقاومت شکننده، ص ۵۰۷

سال	واردات	صادرات (بدون نفت)	صادرات (با نفت)	تراز (بدون نفت)	تراز (با نفت)
۱۳۳۱	۶۶.۱	۹۶.۷	۹۹.۸	+۳۰.۶	+۳۳.۷
۱۳۳۶	۶۰۵.۹	۱۰۳.۸	۴۰۲.۶	-۵۰۲.۱	-۲۰۳.۳
۱۳۴۱	۵۱۸.۶	۱۲۷	۱۰۱۵.۲	-۳۹۱.۶	-۴۹۶.۶
۱۳۴۶	۱۴۰۸.۹	۲۱۴.۸	۲۰۰۳.۷	-۱۱۹۴.۱	+۵۹۴.۸
۱۳۵۰	۳۱۶۱	۴۴۰	۳۰۴۰	-۲۷۲۱	-۱۲۱
۱۳۵۶	۱۸۴۰۰	۵۲۰	۲۴۰۲۰	-۱۷۸۸۰	+۵۶۲۰

رشد کاذب و غیر متوازن اقتصاد کشور را کاملاً به نفت متکی کرد. بخش خدمات گسترش یافت و نقش آن در تولید ناخالص داخلی به حدود ۵۰ درصد رسید. درآمدهای نفتی دولت را ترغیب می کرد تا نه تنها مالیات بر درآمدهای ملایم خود را اعمال نکند، بلکه از تدوین مالیات های مترقی دیگر نیز اجتناب نماید. دولت اساساً می توانست بدون دریافت مالیات نیز دوام آورد، از این رو هرگز به طور جدی سعی نکرد تا نظام مالیاتی صحیحی را اعمال کند، نه برای ایجاد توازن معقول تری در سطح درآمدها و نه برای آماده شدن برای روزی که درآمدهای نفتی رو به کاهش می گذاشت. از آن جدی تر این مسئله بود که درآمدهای نفتی نه تنها باعث تقلیل اختلافات سطح درآمدها بین ثروتمندان و فقرا نشد، بلکه آن را افزایش هم داد. عمدتاً به دلیل سیاست های دولت، بیش تر منافع نصیب طبقات بالا می شد

(کدی ۱۳۹۰: ۲۹۴-۲۹۵). اثر دیگر رانت بر جامعه از منظر اقتصادی، مصرفی شدن اقتصاد و رشد روحیه مصرف‌گرایی بود. در دروان افزایش درآمدهای نفتی دولت محمدرضا شاه، با واردات انواع کالاهایی که مشابه آن در داخل تولید می‌شد تولیدات داخلی را به خطر می‌انداخت. کسری بودجه‌ای که در سال‌های قبل کشور گرفتار آن بود، با افزایش قیمت نفت در ۱۳۳۷ش تا حدودی رفع شد و در اواخر این دوره به کلی از بین رفت و رونقی در واردات و اندکی نیز در صادرات ظاهر شد، اما موج تازه‌ای در مصرف کالاهای جدید وارداتی در جامعه پدید آمد. در فاصله زمانی کوتاهی نشانه‌هایی از عبور از مرحله سنتی به مرحله گذار و سپس مرحله مصرف‌انبوه پدیدار شد، لکن نشانه‌ای از رشد و توسعه صنعتی بروز نکرد. از سوی دیگر برنامه‌های دولت برای جذب سرمایه خارجی نیز موفق نبود، زیرا ناامنی سیاسی و نظام اختناق و سرکوب، به‌ویژه پس از کودتای ۱۲۲۸ش، تأثیر نامناسبی در نظام اقتصادی گذاشت. پس‌انداز ناخالص از محل تولیدات غیرنفتی عموماً ناچیز و پس‌انداز خالص منفی بود، و این خود نشانه‌گویی از بی‌اعتمادی عمومی، میل به خروج سرمایه از کشور و سرمایه‌گذاری روی زمین و مستغلات بود. حتی سرمایه‌گذاری دولت، که علاوه بر مالیات‌های مستقیم و غیرمستقیم تمامی عواید نفت را نیز جذب می‌کرد، به میزان قابل‌ملاحظه‌ای از سرمایه‌گذاری بخش خصوصی کمتر بود (قدسی زاد ۱۳۸۸: ۹۳).

رشد اقتصادی ایران در فاصله سال‌های ۱۳۴۹-۱۳۳۸ به بیش از دو برابر رسید و به‌ویژه در فاصله ۱۳۴۹ تا ۱۳۵۵ فوق‌العاده بود. مهم‌ترین عامل این رشد، افزایش درآمدهای نفتی بود. ولی در واقع رشد و توسعه اقتصادی در این دوره در نهایت به افزایش درآمدهای واقعی همه طبقات جامعه منجر نشد. درآمد طبقات شهرنشین با سرعتی به مراتب بیش از طبقات روستانین در حال افزایش بود. در شهرها هم هزینه‌ها به‌طور نابرابر توزیع شده بود. از اواخر دهه ۱۳۴۰ به بعد، این نابرابری‌ها افزایش بیشتری یافت. رشد اقتصادی ایران در فاصله ۱۳۴۰ تا ۱۳۵۴ مبتنی بر اصول شناخته شده توسعه نبود. درآمدهای دولت به شیوه صحیح سرمایه‌گذاری نشد و همین امر پیامدهای منفی آن را تشدید کرد و با کاهش قیمت نفت در ۱۳۵۴ و تنزل بیش از حد درآمدهای دولت، که به ایجاد نارضایتی‌های عمده‌ای در جامعه منجر شد، بطلان افسانه رشد اقتصادی سریع و کوتاه‌مدت بر همگان آشکار شد (قدسی زاد و همکاران ۱۹۹۳-۹۹) افزایش قیمت نفت فرصتی برای تعدادی از صاحبان صنایع ایجاد کرد تا به سرمایه‌گذاری‌های عمده اقدام کنند و در نتیجه، بذریک بورژوازی مدرن کاشته شد.

در نهایت، موقعیت‌ها و فرصت‌هایی نظیر اصلاحات ارضی، انقلاب سفید و رونق درآمد نفت و ... که می‌توانست رشد اقتصادی، توسعه همه جانبه و پایدار، وحدت ملی و عدالت اجتماعی را برای ایرانیان به ارمغان آورد، به دلیل شخص گرایانه بودن ساخت قدرت تحت تاثیر ساخت رانتهی آن، فرایند سیاست‌گذاری عمومی را ناکارآمد کرده و به تعمیق شکاف دیرینه دولت - ملت و شکنندگی بیشتر جامعه سیاسی انجامید (حیدری ۱۳۹۴: ۷۶-۷۷).

۵. نتیجه‌گیری

آمار و ارقام به دست آمده در پژوهش نشان می‌دهد که رشد درآمدهای مالیاتی به صورت نامتوازن با درآمدهای مالیاتی بالا رفته است. بنابراین دولت برای تامین هزینه‌های خود درآمدهای نفتی را در رتبه نخست قرار داده است. این مسئله سبب گردیده که درآمدهای مالیاتی ارزش خود را از دست بدهند. در صورتی که کشور باید با توجه به درآمدهای حاصله داخلی، برنامه‌های اصلاحاتی و عمرانی خود را بریزد و از سوی سوی دیگر مالیات‌دهندگان با توجه به مالیات‌های اخذ شده مطالبات خویش را خواستار باشند. این مسئله سه نکته اساسی را تحت تاثیر قرار می‌دهد که عبارتند از: پایه، نرخ و رشد مالیاتی.

پایه‌های مالیاتی که به دو صورت مستقیم و غیرمستقیم می‌باشد، به طور کلی متحول می‌گردد چنانچه در مورد مالیات زمین که یک نوع مالیات غیر مستقیم است بیان گردید و تنها دولت بخشی از مالیات‌های مستقیم مشاغل دولتی را دریافت می‌کرده است.

نرخ مالیات باید با توجه به بازده داخلی هر ساله سامان یابد اما با توجه به عدم نیاز کشور نه تنها حالت صعودی نداشته بلکه در برخی اوقات حالت نزولی داشته و گاهی معافیت‌های مالیاتی سبب از میان رفتن نرخ مالیات شده است.

رشد مالیاتی مسئله‌ای است که دولت‌ها باید همواره آن را در نظر داشته باشند یعنی مالیات باید با آهنگی مشخص هم‌زمان با هزینه‌های دولت حرکت کند در حالی که هزینه‌های دولت بسیار بالاتر از مالیات اخذ شده می‌باشد و توازن داخلی به هم خورده است.

باید دانست که از مهم‌ترین عوامل پیوست دولت - ملت به یکدیگر مالیات می‌باشد و ناکارآمدی آن سبب گسست می‌گردد. این گسست تاثیرات نامطلوبی در اقتصاد، سیاست،

اجتماع و فرهنگ می‌گذارند و سبب انحصارطلبی اقتصادی دولت، مصرف‌زدگی جامعه، اقتدارگرایی، استقلال دولت از طبقات، حامی‌پروری، عدم رشد دموکراسی و ... می‌شود. شرایط ناخوشایند ایجاد شده سبب ایجاد تشدید دیکتاتوری و تشکیل نیروهای سرکوب می‌گردد و به‌طور کلی می‌توان گفت در کشورهای رانتیر نمی‌توان شاهد پیشرفت کشور بود بلکه می‌توان اختلافات طبقاتی، فقر، فحشا، حاشیه‌نشینی، عدم ثبات اقتصادی، اختناق و دیکتاتوری را مشاهده نمود.

پی‌نوشت‌ها

۱. رشد اقتصادی پایین‌تر کشورهایی با منابع طبیعی گسترده نسبت به سایر کشورها تناقضی است که به بلای منابع، نفرین منابع یا به تناقض فراوانی شهرت دارد. این پدیده بر اثر عوامل مختلف ممکن است به‌وجود آید، از آن جمله کاهش قدرت رقابتی در سایر بخش‌های اقتصادی، فرار سرمایه از بخش منابع طبیعی، عدم مدیریت دولت یا بر اثر فساد سیاسی ممکن است، اتفاق بیفتد.
۲. این مفهوم اقتصادی رابطه بین بهره‌برداری بی‌رویه از منابع طبیعی و رکود در بخش صنعت را توضیح می‌دهد. به موجب این مفهوم درآمد حاصل از صادرات منابع طبیعی باعث لطمه‌خوردن به بخش تولیدی کشور می‌شود و به تبع آن با بالا رفتن نرخ واقعی ارزش دستمزدها افزایش می‌یابد. بدین ترتیب بخش‌های تجاری عمدتاً کشاورزی و صنعت قابلیت رقابت خود را در بازار جهانی از دست می‌دهند. بدین ترتیب اقتصاد کشور در برابر تغییر قیمت در مواد خام بسیار آسیب‌پذیر می‌شود.
۳. یک مدل آماری است که وابستگی خطی میان چند سری زمانی را بیان می‌کند.
۴. چنانچه در مقدمه ذکر گردید منظور از دولت‌های رانتی و رانت در علم اقتصاد منابع زیر زمینی هستند که تجدید ناپذیر و تمام شدنی می‌باشند و زمین و منابع آبی را در بر نمی‌گیرند.

کتاب‌نامه

- تراز نامه بانک مرکزی، سال ۱۳۵۶.
- توانایان‌فرد، حسن، فرهنگ تشریحی اقتصاد: انگلیسی - فارسی، تهران، شرکت نشر الکترونیکی و اطلاع‌رسانی جهان رایانه امین، .

تاثیر کاهش درآمدهای مالیاتی بر تحولات ... (شقایق فتحعلی زاده و دیگران) ۱۸۹

- حیدری، علیرضا، تحلیل مفهومی روابط جامعه سیاسی، سیاست و سیاست گذاری عمومی در عصر پهلوی دوم، فصلنامه سیاستگذاری عمومی، دوره اول، شماره ۳، پاییز ۱۳۹۴ .
- راجی، پرویز، خدمتگذار تخت طاووس، تهران، اطلاعات، ۱۳۶۴.
- سوداگر، محمدرضا، رشد روابط سرمایه‌داری در ایران: مرحله گسترش ۱۳۵۷-۱۳۴۲، تهران، انتشارات فرزین، بی تا.
- طیبیان، محمد، «رانت اقتصادی به عنوان یک مانع اقتصادی»، برنامه و توسعه، شماره ۴، زمستان .
- قدسی زاد، پروین؛ جودکی، محبوبه؛ ذوقی، ایرج؛ افضلی، رسول؛ امینی، محمدمهدی، پهلوی‌ها، تهران، نشر کتاب مرجع، ۱۳۸۸.
- کاتوزیان، محمد علی همایون، اقتصاد سیاسی ایران، ترجمه: محمد رضا نفیسی و کامبیز عزیزی، تهران، نشر مرکز، چاپ هفدهم، ۱۳۹۰.
- کارشناس، مسعود، نفت دولت و صنعتی شدن در ایران، ترجمه: حاجی عبدالوهاب یوسف و علی اصغر سعیدی، تهران، گام‌نو، ۱۳۸۲.
- کدی، نیکی، اندیشه‌های انقلاب اسلامی، ترجمه: عبدالرحیم گواهی، نشر علم، ۱۳۹۰.
- لوسیانی، جیاکومو، «بحران مالی دولت و گرایش دولت به دموکراسی»، خاورمیانه، سال دوم، شماره ۲، تابستان ۱۳۷۴.
- مجموعه قوانین بودجه، برنامه و عناوین سایر قوانین و مصوبات مربوط از سال ۱۳۴۴ تا سال ۱۳۵۷، تهیه و تدوین: منوچهر ضیائی، ناشر وزارت برنامه و بودجه، مرکز مدارک اقتصادی-اجتماعی و انتشارات، چاپ اول، ۱۳۶۷، صفحات متعدد
- میرترابی، سعید، مسائل نفت ایران، تهران، قومس، ۱۳۸۵.
- همدمی خطبه‌سرا، ابوالفضل، فساد مالی و اقتصادی، تهران، مرکز مطالعات راهبردی، ۱۳۸۳.

Amir.M.Haji, Economic Development in Iran: A Theoretical Yousefi perspective "Discours: in Iranian Quarterly. Vol.2.No3, p100-101.

Amir.M.Hajiyousefi, The Rentire Autonomy of the state, or the Rentier Autonomy of civil society: The case of Rentier states in the middle East, mimeo, Carleton university Canada ,1992.

J. Viner International Trade and Economic Development. Lectures delivered at the National University of Brazil. Glencoe, 111., The Free Press, 1952, 154 p.

Lewis, W.A. (1955) Theory of Economic Growth. Allen and Unwin Ltd., London.

Mahdavy,H, The Patterns and Problems of Economic Development in Rentier States: the Case of Iran, 1970, p428.

۱۹۰ پژوهش‌نامه تاریخ اجتماعی و اقتصادی، سال ۱۰، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۴۰۰

Movaseghi, Seyyed Ahmad; Kaheh, Alireza, State and Economic Development in Iran, Politics Quarterly, Vol45, Issue4, p.102.

Najmabadi, Afsaneh, Depoliticization of a Rentier state: The case of Pahlavi Iran, in beblawi and Luciani(eds)Op.cit,p.12.

Ross, Michalle, Does Oil Hinder Democracy?, World Politics, Vol53, 2002.

Beblawi and Luciani, The Rentier State, 1st Edition, 1987.

Rostow, W.W, The Stages Of Economic Growth, wiley Digital Archives, Vol12, Issue1, 1960

the oxford English dictionary , volume10, p619.